

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

جمعی از کمونیست های انقلابی – افغانستان  
۰۱ می ۲۰۲۳

## اول ماه می : روز اتحاد و همبستگی کارگران جهان علیه سرمایه داری

اول ماه می روز جهانی کارگران فرا می رسد. روزی که نقش و رسالت تاریخی طبقه کارگر برای انقلاب و رهائی بشریت را ندا می دهد و بر ضرورت مسلح شدن طبقه به علم انقلاب و علم رهائی بشریت برای به سرانجام رساندن این رسالت تاریخی تأکیدی دوباره می نهد.

طبقه کارگر در افغانستان در چند دهه گذشته دچار تغییر و تحولات کمی و کیفی شده است که نشان از نقش خاص و تعیین کننده آن در روند انقلابی این کشور دارد. به خصوص با توجه به تجربه بیش از چهار دهه جنگ های خانمانسوزی که از طرف کمپ های امپریالیستی غرب و شرق و وابستگان آنها بر مردم تحمیل شده است. این واقعیت را یک بار دیگر روشن می سازد که تا زمانی که مردم اسیر نیروهای مرتجع بنیادگرا و یا وابستگان به کمپ امپریالیستی غرب و یا شرق باشند از شر جنگ و جنگ های امپریالیستی رهائی نخواهند یافت.

جامعه افغانستان امروز همچنان با بنیادگرایی و استبداد مذهبی و زن ستیزی، با جنگ و کشتار و همچنین با فقر مفرط و گرسنگی فاجعه بار دست و پنجه نرم می کند. اما مسأله به این جا ختم نمی شود. در نتیجه سلطه این جنایتکاران هزاران مصیبت دیگر بر درد و رنج مردم و به خصوص بخش های تحتانی و زحمتکش جامعه افزوده شده است. در چنین شرایطی وظیفه و نقش طبقه کارگر و بخش آگاه آن از اهمیت بیشتری برخوردار می شود. تنها این طبقه است که می تواند با نقش پیشروی خود طبقات زحمتکش را در جریان مبارزه طبقاتی متحد کرده و با اتکاء به اصول علمی در مبارزه علیه نمایندگان مناسبات کهنه و جایگزینی آن با دولت انقلابی پرولتاری به پیروزی رهنمون سازد.

طالبان و دیگر نیروهای جهادی با مناسبات سرمایه داری در تضاد نیستند. علی رغم این که نیروهای بنیادگرای اسلامی مناسبات طایفه ئی و قبیله ئی، فئودالی و دیگر اشکال عقب مانده تولیدی را نمایندگی می کرده اند اما در پروسه چند دهه گذشته با تغییرات در ساختار جامعه نقش خود را با رشد مناسبات سرمایه دارانه تطبیق داده اند. در نتیجه این نیروهای ارتجاعی هم مناسبات تولیدی عقب مانده و هم مناسبات سرمایه دارانه در خدمت به امپریالیسم را نمایندگی کرده اند و نقش مهم و تعیین کننده ای برای سرمایه داری جهانی بازی کرده و همچنان بازی می کنند.

در پروسه چهار دهه جنگ تغییرات مهمی در شکل بندی طبقاتی جامعه افغانستان رخ داده است. موقعیت بخش عظیمی از دهقانان و نفوس دهات در نتیجه جنگ تغییر کرده است. میلیون ها نفر عملاً سلب مالکیت شده و آواره شهرها گشته اند که هرگز قادر نشدند به محل سکونت خود بازگردند. میلیون ها نفر به بازار کار پیوستند. علی رغم افت و خیز

در حدود ۵ تا ۶ میلیون مهاجر از افغانستان پیوسته منبع مهم نیروی کار ارزان برای کشورهای همسایه و یا دیگر کشورهای منطقه مانند عربستان، امارات و قطر بوده است. جنگ های متوالی در چهار دهه گذشته این منبع مهم نیروی کار را در جریان نگاه داشته است که پیوسته در رفت و آمد به افغانستان بوده اند.

علاوه بر جنگ نقش تخریبی کمک های "بشر دوستانه" کشورهای امپریالیستی، ضربه های کاری به دهقانان نیز وارد کرده است. چرا که با وجود مواد غذایی و به خصوص آرد و گندم ارزان و یا مفت مؤسسات امپریالیستی، تولید و کشت گندم، جو و جواری و دیگر مایحتاج اولیه زندگی برایشان باصرفه نبود، در نتیجه بخش دیگری از دهقانان همه چیز خود را از دست دادند و اینگونه سلب مالکیت شده و آواره شهرها و کشورهای همسایه شدند و یا به کشت کوکنار روی آوردند و یا در تولید مواد مخدر و توزیع و صدور آن به کار گرفته شدند.

بعد از اشغال افغانستان و هجوم نیروهای اشغالگر غرب و وجود نیروی کار مافوق ارزان در شرایط جنگی و بیکاری، باعث رشد برخی شرکت ها و واحدهای صنعتی و ساختمانی و استخراج معادن و به کارگیری این نیروی کار مافوق ارزان شد.

همچنین بخش های مهم خدماتی در این دوران نیز فعال شدند، که بخش مهمی در ارتباط با حضور نظامی کشورهای غربی و یا توزیع مواد غذایی و مایحتاج مردم تحت پوشش مؤسسات خیریه و یا انجوها بودند.

اگر چه بعد از به قدرت رساندن طالبان بخش های مهمی از نیروهای نظامی کشورهای غربی خارج شدند اما توزیع کمک های "بشر دوستانه" با افت و خیز و تشنج ادامه داشته و دارد و به علاه نیروی کاری که درگیر در بخش نظامی کشورهای غربی بودند یا به بیکاران پیوسته اند و یا در بخش دیگری به کار گرفته شده اند. اما آنچه مسلم است بخش عمده آنها همچنان در بازار نیروی کار افغانستان باقی مانده اند.

در عین حال بخشی از زنان با تحولات در شکل بندی طبقاتی در این دوران به نیروی کار پیوستند. به خصوص با توجه به این که بسیاری از مردان یا در جنگ ها کشته شده و یا به نیروهای نظامی پیوسته بودند، بخش مهمی از زنان علی رغم محدودیت های سنتی مجبور به پیوستن به بازار کار شدند و در بخش های متنوعی از جمله لباس دوزی، قالی بافی و بسیاری از کارهای خدماتی وارد بازار کار شدند. با به قدرت رساندن دوباره طالبان بسیاری از زنان از ادامه کار بازمانده اند و آنها و خانواده هایشان به گرسنگان پیوسته اند تا کار آنها به مردان داده شود و اینگونه از تعداد بیکاران مرد کاسته شود.

اما علی رغم این محدودیت های زن ستیزانه زنان کارگر همچنان تلاش می کنند تا بتوانند ممر درآمدی برای خود و خانواده هایشان باشند. با توجه به سیاست های بشدت زن ستیزانه طالبان به خصوص در این اوضاع وخیم و نا بسامان اقتصادی زنان بخش کیفی و رادیکالی از طبقه کارگر را تشکیل می دهند که بدون تردید نقش مهمی در سرنوشت انقلابی طالبان ایفاء خواهند کرد.

تغییرات مهم کمی و کیفی در موقعیت طبقه کارگر در افغانستان به وجود آمده که وظیفه مهم رهبری توده های افغانستان برای سرنوشتی و تغییرات انقلابی در افغانستان را بر دوش پرولتاریای آگاه و حزب حقیقی آن می گذارد.

در پرتو چنین شرایطی است که ضرورت تشکیل حزب کمونیست پرولتری برای رهبری مبارزات و انقلاب در خدمت به پرولتاریای بین المللی و ادامه حرکت به سوی جامعه ای بدون ستم و استثمار پاسخ می طلبد. وظیفه ما تلاش برای ساختن چنین حزب پرولتری است.

زنده باد اول ماه مه

جمعی از کمونیست های انقلابی - افغانستان - اول ماه می ۲۰۲۳